

# دلالت

خسرو غلامعلی زاده

دانشگاه الزهراء

چکیده: مفهوم و دلالت عناوین دو موضوع عمده و مربوط به هم در معناشناسی هستند. اما، در این مقاله فقط دلالت مورد بحث قرار می‌گیرد. اصطلاح دلالت به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که بین يك عبارت و هر پدیده‌ای برقرار است که آن عبارت در بافت بخصوصی حاکی از آن باشد. از دیدگاه معناشناسی، آنچه که به این نوع رابطه مربوط می‌شود، موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

برای اینکه مرز موضوعات مطروحه در مقاله مشخص شود، به عوض ارائه عناوین، از شماره استفاده شده است. بخشهایی از مقاله که با شماره های ۱، ۲ و ۳ مشخص شده اند، صرفاً مباحث مقدماتی را دربرمی‌گیرند و پیکره اصلی بحث مورد نظر از شماره ۴ به بعد است.

«دلالت» همواره مورد توجه دانشمندان علاقمند به زبان، چه فلسفه دانان و چه زبان شناسان، بوده است.

۱- هدف این نوشته ارائه توصیفی نسبتاً کلی درباره اصطلاح دلالت (reference) در متون زبان شناسی، به ویژه در نوشته های معنی شناسی است. نخست کاربرد این اصطلاح در حوزه ای نسبتاً محدودتر توصیف می‌شود. سپس مفهوم گسترده تر اصطلاح دلالت، که اول بار از سوی فلسفه دانان و پس از آن از جانب زبان شناسان به بحث گذاشته شده است، توصیف می‌شود.

در این نظریه نشانه (صورت زبانی) و مصداق (شیئی)، مختصه یا رویدادی در جهان خارج) به میانجیگری تصویر ذهنی به طور غیر مستقیم با هم ارتباط برقرار می کنند. به بیان دیگر، در این نظریه واژه نمودی از تصویر ذهنی است که بر شیئی، مختصه یا رویدادی دلالت می کند که ما در آن باره سخن می گوئیم.

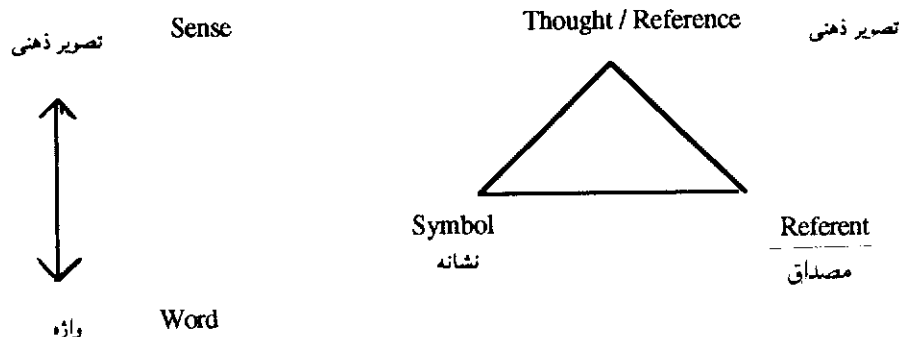
نظریه معنایی ریچاردز و آگدن از جهات مختلف مورد استفاده قرار گرفت، در نتیجه اصطلاح Reference نتوانست بدین مفهوم در زبان شناسی کاربرد فراگیر داشته باشد. چون در این نوشته هدف صرفاً معرفی اصطلاح «دلالت» است، در نتیجه در این مورد فقط به اشاره ای اکتفا می شود.

پس Reference در نظریه «مثلث معنایی» ریچاردز و آگدن تصویر ذهنی ای است که در ذهن شنونده به هنگام شنیدن، یا در ذهن خواننده به هنگام دیدن صورت نوشتاری مجسم می شود. در این نوشته کاربرد Reference بدین مفهوم مورد نظرمانیست.

۳- یکی دیگر از نظریه های معنایی مبتنی بر دلالت، نظریه دلالتی المن است. البته المن در نظریه خود اصطلاح Reference را به کار نمی برد، بلکه به عوض

درواقع، پیش از پیسدايش زبان شناسی نوین، بحث مربوط به دلالت همانند سایر بحثهای زبان شناسی عموماً در حیطه مباحث فلسفه بود و حتی می توان ریشه های آن را در زمان ارسطو و افلاطون یافت. اما باوجود بحثهای گوناگون پیرامون موضوع دلالت در طی قرنهای متمادی، هنوز هم در مورد کلیه جنبه های آن میان دانشمندان اتفاق رای وجود ندارد. و چه بسا برخی از آنان کلاً چنین دیدگاهی را مردود می شمردند. به هر حال، در این نوشته به سوابق تاریخی موضوع دلالت نخواهیم پرداخت، بلکه بحث ما صرفاً محدود به دیدگاهی خواهد شد که از سوی زبان شناسان در این باره عرضه شده است. حال، بحث را با این باور آغاز می کنیم که «دلالت» معتبر، و از ملزومات يك نظریه معنایی جامع است.

۲- از جمله زبان شناسانی که اصطلاح reference و referent را در نظریه معنایی خود به کار برده اند، ریچاردز و آگدن اند. ریچاردز و آگدن (۱۹۲۳) برای توجیه معنی زبان شناختی عناصر واژگانی، نظریه خود معروف به «مثلث معنایی» را بر اساس روابط سه گانه زیر اراده دادند:



ریچاردزواگدن و Sense در نظریه المن تقریباً نزدیک به همند، در نتیجه در مقابل این دو اصطلاح فقط يك اصطلاح فارسی (تصویر ذهنی) برگزیده شد تا اصطلاح «دلالت» در مقابل Reference برای مشخص کردن مفهوم ثابتی که از این به بعد در این مقاله به کار خواهد رفت، حفظ شود. در بخشهای آینده Referent برابر با Referring Expression (عبارت دلالتی) تلقی خواهد شد که دلالت از آن سرچشمه می‌گیرد. اصطلاح «مدلول» نیز حاکی از هرآن چیزی خواهد بود که «عبارت دلالتی» دلالت بر آن بکند.

۴- اصطلاح Reference (دلالت) همواره در برابر اصطلاح Sense (مفهوم) و همراه با آن مطرح می‌شود. «دلالت» رابطه موجود بین عناصر زبانی و جهان خارج را مشخص می‌کند، اما «مفهوم» حاکی از روابط درون زبانی است. برای روشن شدن چگونگی کاربرد اصطلاح «دلالت» در معنی شناسی بهتر آن است که از مثال آغاز کنیم:

(۱) این نوشته درباره «دلالت» است.

در مثال (۱) گروه اسمی «این نوشته» از يك سو يك عنصر زبانی است که در دستور زبان گروه اسمی نامیده می‌شود، از سوی دیگر، نمایاننده تعدادی صفحات کاغذ در جهان خارج است که می‌توان آنها را در دست گرفت و لمس کرد. حال، «دلالت» عبارت است از رابطه موجود بین این گروه اسمی و تعدادی صفحات کاغذ نوشته شده. بدین لحاظ، در محدوده مثال (۱)، می‌توان گروه اسمی «این نوشته» را عبارت «دلالتی»، و صفحات موجود در جهان خارج را «مدلول» نامید.

(۲) الف - عمومی من معلم است.

ب - پسر بچه ای که در کنار دیوار نشسته،

آن اصطلاح Sense را برمی‌گزینند. المن بیان می‌دارد که بین واژه و تصویر ذهنی آن (Sense) يك رابطه دوجانبه و مستقیم به صورت زیر وجود دارد.

بدین تعبیر که در ذهن شنونده به هنگام شنیدن واژه تصویری ایجاد می‌شود و بالعکس، به هنگام سخن گفتن، نخست در ذهن گوینده تصویر ذهنی به وجود می‌آید و بعد واژه مربوطه بر زبان وی جاری می‌شود.

هرچند المن از اصطلاح Reference به منزله يك عنوان برای نامیدن مفهوم خاصی در نظریه خود استفاده نمی‌کند، اما در بخشهای خود پیوسته این واژه را به مفهوم دلالت واژه بر تصویر ذهنی به کار می‌برد، که جهت روشن شدن چگونگی کاربرد این اصطلاح از سوی وی برگردانهای از جمله کتاب وی ارائه می‌شود

«بنابه تعریف، کلیه نشانه‌ها حاکی از چیز غیرند، یعنی دلالت بر چیزی غیر از خود می‌کنند.»

«بنابراین، هیچ يك از انتقادهای فوق، زبان شناسی را مجبور به کنار گذاشتن توصیف دلالتی معنی نخواهد کرد.»

کاربرد اصطلاح Reference بدین مفهوم تقریباً نزدیک به مفهومی است که در بخشهای آینده این نوشته مورد بحث قرار خواهد گرفت، با این تفاوت که در نظریه معنایی المن اصطلاحات دلالت به صورتی بسیار کلی‌تر و غیر مستقیم مطرح می‌شود.

پس، اصطلاح Reference در نظریه ریچاردزواگدن تصویر ذهنی است، که بین نشانه و مصداق میانجیگری می‌کند، اما المن تقریباً این مفهوم را با اصطلاح Sense مشخص می‌کند، زیرا در نظریه وی تصویر ذهنی (Sense) فقط ارتباط دوسویه با واژه دارد و با پدیده وابسته به جهان غیرزبانی ارتباطی برقرار نمی‌کند. اما چون مفاهیم Reference در نظریه

منتظر اتوبوس است.

ج - يك مرد ديروز به اینجا آمد.

د - مطالعه علمی زبان را زبان شناسی نامند.

ه - دیوی که در این داستان است، يك موجود مهربان نشان داده شده است.

و - کتابی زیر آن میز افتاده است.

در جمله های مثال (۲)، عبارتهای عمومی من، پسر بچه‌ای، اتوبوس، يك مرد، ديروز، اینجا، دیوی، کتابی، و آن میز همه عبارتهای دلالتی‌اند، زیرا دلالت به چیزهایی می‌کنند که گوینده تصوری از آنها را در ذهن خود دارد و از طریق ذکر آنها می‌تواند نظر شنونده را به مدلولشان جلب کند. اما در همین جمله‌ها واژه‌های معلم است، در کنار دیوار نشسته، منتظر است، به ... آمد، مطالعه علمی زبان را میگویند يك موجود مهربان نشان داده شده است، زیر افتاده است، عبارتهای دلالتی نیستند و در جمله نقشهای دیگری دارند که بعداً در بخشهای ۱۸ و ۱۹ درباره این قبیل عناصر سخن گفته خواهد شد.

همان طور که در بالا ذکر شد، عبارت دلالتی عبارتی است که دلالت از آن سرچشمه می‌گیرد. به بیان دیگر، عبارت دلالتی عبارتی است که در گفتار به کار می‌رود تا بر چیز یا چیزهای مشخص (مدلول) دلالت کند و عنصری است وابسته به گفتار. عبارت دلالتی ممکن است يك یا چند واژه را در برگیرد. پس، مفهوم عبارت نباید این تصور را پدید آورد که عبارت «دلالتی» الزاماً باید مشتمل بر بیش از يك واژه باشد.

۵ - «موجودیت» مدلول یکی از موضوعاتی است که در ارتباط با دلالت همواره میان دانشمندان موجب بحثهای بسیار شده است. همیشه این سؤال مطرح بوده که آیا عنصر زبانی می‌تواند به چیزی که «موجودیت»

ندارد، دلالت کند؟ از نظر فلسفه دان پاسخ این سوال منفی است، اما زبان شناس به آن پاسخ مثبت می‌دهد. زبان شناس معتقد است که می‌توان يك شیء موهوم، تخیلی، انتزاعی و غیره را مدلول عبارت دلالتی تلقی کرد، چه در غیر این صورت زبان بخش عظیمی از موارد دلالتی، یا عوامل ارتباطی خود را از دست داده و تا حد سایر نظامهای نشانه‌ای، مانند چراغ راهنما و غیره نزول خواهد کرد. در صورت معتبردانستن اصل «موجودیت» چگونه می‌توان موارد انتزاعی را بیان کرد؟ در آن صورت چگونه درک داستان، مسائل علمی و بسیاری از نیازهای انسان تحقق پیدا می‌کند؟ پس دلالت مطروحه از سوی زبان شناس مقید به شرط موجودیتش نیست.

(۳) الف - دیوی که در داستان است موجودی مهربان نشان داده شده است.

ب - دستور زبان فارسی از موضوعات جالب برای مطالعه است.

ج - سعدی از معروفترین شاعران ایرانی است.

د - اتم این ماده در واکنشهای شیمیایی رفتار خاصی از خود نشان می‌دهد.  
در مثالهای فوق دیوی، دستور زبان فارسی، سعدی، اتم و ملکول همه عبارتهای دلالتی‌اند که در جهان خارج وجود ندارند، اما گوینده یا شنونده می‌تواند تصوری از آنها را در ذهن خود داشته باشد و به طریقی با آنها ارتباط برقرار کند.

۶ - صدق و کذب عبارت دلالتی نیز از مواردی است که پیرامون آن بسیار بحث شده است. دلالت، همانطور که گفته شد، از جمله موضوعاتی است که فلسفه‌دانان، همواره پیرامون آن به بحث نشسته‌اند. شرط دیگری که فلسفه‌دانان، علاوه بر موجودیت، در این میان بر معتبر

يک طبقه طبیعی را تشکیل نمی‌دهند، بلکه طبقه بندی مدلولهای تحت عنوان يك عبارت دلالتی صرفاً يك امرزبانی و قراردادی است. برای مثال «صندلی» اشیایی را در جهان خارج طبقه بندی می‌کند که از هم متفاوتند و هم دقیقاً مثل هم نیستند. دوم اینکه مرز بین مدلولهای عبارات دلالتی در جهان خارج دقیقاً مشخص نیست. ممکن است مدلولی موقعی در حوزه دلالت يك عبارت دلالتی قرار گیرد، و در موقع دیگر جزو حوزه دلالت عبارات دلالتی غیر واقع شود، علت این است که در جهان خارج مرز بندی اشیاء همیشه و در همه موارد با واقعیات زبانی مطابقت نمی‌کند. برای مثال، ممکن است مدلولهای عناصر واژگانی «تپه» و «کوه» در موقعیتهای متفاوت بر پدیده‌ای واحد دلالت کنند. رنگها را نیز می‌توان مثالی دیگر بر این مورد آورد. البته، نمونه‌های بسیاری از این‌گونه موارد را می‌توان در کلیه زبانها یافت.

۸ - دلالت يك عبارت دلالتی هنگامی اعتبار می‌یابد که در بافت معینی به کار برده شود. پس دلالت مقید به شرایط زمانی و مکانی، موضوع صحبت و سرانجام بافت موقعیتی گفتار است. بدین لحاظ، دلالت يك عبارت دلالتی در نتیجه تغییر بافت موقعیتی گفتار تغییر می‌یابد و رابطه بین عبارت دلالتی و مدلول آن همیشه يك به يك نیست، مگر در مورد برخی از اسامی خاص:

(۴) الف - این جانور بسیار خطرناک است.

ب - حسن پسر علی است.

ج - این کتاب بسیار جالب بنظر می‌رسد.

د - درك این نظریه بسیار مشکل است.

در جمله‌هایی که ذیل مثال (۴) ارائه شده‌اند عبارتهای دلالتی «این جانور، حسن، علی، این کتاب، و

بودن دلالت قایلند، صدق و کذب عبارت دلالتی است. فلسفه‌دان دلالت آن عبارت دلالتی را معتبر می‌داند که در مورد مدلول صادق باشد، نه کاذب. برای مثال، در جمله این مکانیک اتومبیل را تعمیر کرد، از نظر فلسفه‌دان دلالت عبارت دلالتی این مکانیک زمانی صحیح است که شخص مورد نظر واقعا مکانیک بوده باشد، نه مثلاً معلم. اما در عوض، زبان شناس معتقد است که دلالت صحیح مشروط به صدق واقعی عبارت دلالتی نیست. زبان شناس صدق را در ارتباط با بافت موقعیتی جمله ادا شده معتبر می‌داند، زیرا نقش ارتباطی عناصر زبانی را اصل تلقی می‌کند، نه صدق و کذب واقعی عبارت دلالتی را. زبان شناس می‌کوشد تصریح کند که چگونه ما برای جلب توجه سایرین به موضوع سخن خود از عبارات دلالتی استفاده می‌کنیم این عبارات کدامها هستند، و سرانجام ارتباط سایر عناصر جمله با عبارات دلالتی به کار رفته در آن چیست؟ دلالت هم موضوع مورد مطالعه زبان شناس است و هم فلسفه‌دان، اما هرکدام از آنها در جهت تصریح مسائلی مورد علاقه خویش از آن بهره می‌جویند. آنچه را که یکی اصل می‌انگارد، ممکن است دیگری فرع تلقی کند. پس، برای زبان شناس، موفقیت آمیز بودن دلالت در بافت موقعیتی گفتار، برای جلب توجه شنوند به مدلول مطرح است نه صدق یا کذب آن.

۷ - هر چند شرط موجودیت مدلول در جهان خارج

را نمی‌توان در صحت دلالت دخالت داد، اما در زبان عبارتهای دلالتی بسیاری به کار می‌رود که مدلولشان در جهان خارج موجودیت دارد. حال، در ارتباط با این قبیل عبارات می‌توان دو مطلب را مطرح کرد: نخست اینکه، کلیه مرلولهای يك عبارت دلالتی عام در واقع

این نظریه می‌تواند هرکدام در موقعیتهای متفاوت دلالت بر پدیده‌های متفاوتی کنند.

اما، در زبان يك عده اسامی خاص به کار می‌رود که برمدلولهای یکسان و ثابت دلالت می‌کنند و بافت موقعیتی، زمان، مکان و غیره دخالتی در تغییر دادن مدلولهای آنها ندارند. برای مثال، تهران، ایران، ماه، خورشید، زمین، نخستین رئیس جمهور ایران، افلاطون، ارسطو، شیمی و غیره از جمله عبارتهای دلالتی اند که مدلول آنها تابع تغییرات بافت موقعیتی نمی‌شود.

۹ - همچنین دو یا چند عبارت می‌توانند مدلول واحدی داشته باشند. مثلا، مثال معروف گوتلوب فرگه، فیلسوف المانی، ستاره شامگاهی، ستاره صبحگاهی، که هر دو لالت بر سیاره ونوس می‌کنند. یا «تهران» و «پایتخت ایران» هر دو نیز دلالت بر مدلول واحدی می‌کنند.

۱۰ - عبارتی ممکن است در يك بافت دلالتی، و در بافت دیگر غیردلالی باشد. به بیان دیگر، کاربرد يك عبارت همیشه و در همه موارد دلالتی تلقی نمی‌شود.

(۵) الف - دویست صنلی اسقاط دور ریخته شد.

ب - این سالن گنجایش دویست صندلی را دارد.

در جمله (۵ - الف) «دویست صندلی» يك عبارت دلالتی است، حال آنکه در (۵ - ب) عبارت دلالتی به شمار نمی‌آید، زیرا، در این جمله منظور گوینده نمایاندن ظرفیت سالن به شنونده است، نه این مسأله که صندلیها کدامند.

(۶) الف - حسن کتاب را آورد.

ب - کتاب حسن بسیار جالب است.

همچنین، در جمله (۶ - الف) هم حسن و هم کتاب عبارتهای دلالتی اند، اما در (۶ - ب) گوینده سعی

دارد نظر شنونده را به کتاب جلب کند، نه به حسن. پس، حسن در يك بافت به صورت دلالتی و در بافت دیگر به صورت عبارت غیر دلالتی به کار رفته است.

۱۱ - جمله‌هایی که تاکنون به عنوان مثال ارائه شد، عموماً دارای يك عبارت دلالتی بوده‌اند. اما، واقعیت این است که جمله می‌تواند مشتمل بر چند عبارت دلالتی باشد.

(۷) الف - سگ او را گاز گرفت.

ب - ایران در آسیا است.

ج - کرج بین تهران و قزوین است.

در جمله (۷ - الف) «سگ» و «او» در جمله (۷ -

ب) «ایران» و «آسیا» و در جمله (۷ - ج) «کرج، تهران و قزوین» عبارتهای دلالتی اند که دلالت آنها معتبر است.

۱۲ - همچنین، ممکن است جمله‌ای فاقد عبارت

دلالتی باشد.

(۸) الف - معلم کسی است که در مدرسه تدریس

می‌کند.

ب - سینما رفتن بعضیها خیلی جالب است.

در جمله‌های مثال (۸) هیچ عبارت دلالتی به کار نرفته است، زیرا گوینده نمی‌تواند تصویری از مدلول عناصر واژگانی آنها داشته باشد، یا نمی‌تواند تصویری از آنها را در ذهن شنونده پدید آورد و نظر وی را به مدلول خاصی جلب کند.

۱۳ - گروههای اسمی معین عموماً به صورت

عبارات دلالتی به کار می‌روند، زیرا به دلیل معین

بودن، گوینده می‌تواند شنونده را متوجه آنها سازد.

(۹) الف - آن مرد را دیروز در خیابان دیدم.

ب - این کتاب به درد نمی‌خورد.

ج - مدادی که دیروز به من داده بودی،

شکست.

می توان گفت که در جمله های مثال (۱۱) گروه های

اسمی نامعین ماشین، مردی، و اتومبیلی، هم می توانند دلالتی تلقی شوند و هم غیر دلالتی، که بستگی به بافت موقعیتی، شرایط گفتار، و تصور گوینده از آنها دارد.

۱۵ - گاهی اوقات می توان در بافت موقعیتی معلوم، به عوض اسم، برای مشخص کردن يك مدلول از عبارت توصیفی مربوط به آن استفاده کرده و ایجاد دلالت نمود. در واقع در این گونه موارد کاربرد «بدل» به عوض خود اسم مطرح می شود.

(۱۲) جهان پهلوان مدالهای خود را به آستان قدس رضوی هدیه کرد.

مدلول جمله (۱۲) برای اکثر ایرانیانی که در جریان رویدادهای ورزشی اند، کاملاً روشن است (تختی).

(۱۳) رئیس کنونی دانشگاه تهران شخصی جدی بنظر می رسد.

همچنین، در جمله فوق رئیس کنونی دانشگاه تهران دلالت بر مدلولی می کند که مشخص است و دلالت در مورد آن معتبر است.

۱۶ - در زبان واژه هایی وجود دارد که به «واژه های اشاری» معروفند. نقش این واژه ها مشخص کردن «شخص، شیء، زمان، مکان یا اندیشه ای» است. واژه هایی که می توانند چنین نقشی را در جمله بپذیرند، از مقوله های دستوری متفاوتند، و اصولاً آنهايي اند که اشاره به چیزی را، چه به طور ضعیف و چه قوی، به نحوی القا می کنند. این قبیل واژه ها عبارتند از ضمائر شخصی (من، تو، او، ما، شما، ایشان) ضمائر و صفات اشاره (این، آن، اینجا، آنها)، قیدهایی که با صفات اشاره درست می شوند (اینجا، آنجا، امروز، آن روز، این هفته، آن هفته، امسال و غیره)، کلیه اصطلاحات مربوط به زمان که با توجه به مبدا حال

در جمله های مثال (۹) عبارات «آن مرد»، «دیروز» «این کتاب»، و «مداد» همه دلالتی اند، زیرا گوینده می تواند تصویری از آنها را در ذهن خود داشته باشد و توجه شنونده را به آنها جلب کند.

اما باز می توان نمونه هایی از کاربرد گروه های اسمی معین در جمله هارا یافت که دلالتی نباشند.

(۱۰) الف - اگر من اتومبیلی داشته باشم، از آن اتومبیل به خوبی مواظبت خواهم کرد.

ب - هر کس با علی دوست شود، دیگر آن شخص آرامش نخواهد داشت.

در مثالهای فوق «آن اتومبیل» و «آن شخص» هر دو در ظاهر معینند، اما دلالت بر چیز یا شخصی نمی کنند، زیرا، شنونده نمی تواند تصویری از مدلول آنها (اتومبیلی، هرکس) داشته باشد. پس هر چند گروه های اسمی معین عموماً به صورت عبارات دلالتی به کار می روند، اما در برخی موارد دلالتی بودن آنها، شروط به بافت و وضعیتی است که در آن ظاهر می شوند.

۱۴ - گروه های اسمی نامعین عموماً به صورت عبارات غیر دلالتی به کار برده می شوند، اما تحت شرایط خاصی این گونه عبارات می توانند دلالت بر مدلولی کنند که بستگی به این دارد که گوینده تصویری از مدلول آن (البته نه به دقت مدلول گروه اسمی معین) در ذهن داشته باشد یا نه.

(۱۱) الف - علی دنبال يك ماشین می گردد.

ب - مردی در این چهار راه دست فروشی می کند.

ج - اتومبیلی در وسط اتوبان واژگون شده بود.



مشخص باشند (دیشب، دیروز، پریروز، پس پریروز، فردا، پارسال، پیارسال و غیره)، همچنین، اسامی خاص و گروههای اسمی معرفی.

جان لاینز معتقد است که این گونه واژه‌ها، یعنی واژه‌های اشاری، منشاء و سرچشمه دلالتند، زیرا این واژه‌ها برخی از مولفه‌های معنایی خود را از بافت موقعیتی گفتار بر می‌گزینند و به مدلول خود اشاره می‌کنند و آن را برای شنونده مشخص می‌سازند.

(۱۴) الف - دیروز او را دیدم.

ب - امروز من به دانشگاه نخواهم رفت.

ج - بیایید با هم به آنجا برویم.

د - اکنون شما می‌توانید به گفتگو بنشینید.

ه - این شهر بی‌اندازه شلوغ است.

و - آنها دیروز به مزل وی رفتند.

در جمله‌های مثال (۱۴)، دیروز، او، امروز، من، (احتمالاً دانش‌آگاه)، آنجا، اکنون، شما، این شهر، آنها، دیروز، منزل وی، همه عبارتهای دلالتی‌اند، زیرا با توجه به بافت موقعیتی گفتار، هر کدام مدلولی را مشخص می‌کنند که شنونده می‌تواند از آن آگاه باشد، برخی از واژه‌های اشاری (آن، این) هم می‌توانند به‌طور مستقل و هم همراه با اسم به عنوان وابسته به کار روند، هنگامی دلالت آنها صحیح و معتبر است که به صورت مستقل و به عنوان ضمیر به کار برده می‌شوند.

۱۷ - مورد دیگری که می‌توان در ارتباط با دلالت

پیرامون آن بحث کرد، ظاهر شدن عبارتهای دلالتی در جمله‌های معروف به «جمله‌های معادله‌ای» است. جمله معادله‌ای جمله‌ای است که برای بیان یکسان بودن مدلولهای دو عبارت دلالتی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، این جمله‌ها بدین منظور به کار برده می‌شوند تا بیان کنند که دو عبارت دلالتی مدلولی واحد دارند.

(۱۵) الف - تهران پایتخت ایران است.

ب - آن خانمی که در گوشه اتاق نشسته است، مادر من است.

ج - اوریکس فعلی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است.

همه جمله‌های مثال (۱۵) از نوع معادله‌ای‌اند، زیرا در هر یک از آنها، هم مستند و هم مسندالیه دلالت به شخص یکسان می‌کنند. البته، فعل رابط «بودن» عموماً در این جمله‌ها به کار می‌رود. اما، هر جمله‌ای که این فعل رابط در آن به کار رود، معادله‌ای نیست.

(۱۶) الف - تهران شهر بزرگی است.

ب - پدر من معلم است.

جمله‌های مثال (۱۶) معادله‌ای نیستند، زیرا «شهر بزرگ» و «معلم» نمی‌توانند بر «تهران» یا «پدر من» دلالت کنند.

یکی از شاخص‌های جمله‌های معادله‌ای را می‌توان قابلیت جابه‌جا شدن مستند و مسندالیه دانست. مثلاً می‌توان مستند و مسندالیه را در هر سه جمله مثال (۱۵) جابه‌جا کرد، بدون اینکه جمله‌ها غیر دستوری شوند، حال آنکه این جابه‌جایی را نمی‌توان در مورد جمله‌های مثال (۱۶) انجام داد.

۱۸ - تا به حال، در جمله‌هایی که به منزله مثال ارائه شدند، صرفاً آن عده از عناصر واژگانی مورد توجه قرار گرفتند که می‌توانستند به مثابه عبارت دلالتی به کار روند. اما واقعیت این است که علاوه بر عبارات دلالتی، در جمله‌های دیگری نیز وجود دارند که نقش آنها در ارتباط با عبارات دلالتی قابل بررسی است، به عنوان مثال، در جمله‌های زیر:

(۱۷) الف - علی دانشجو است.

ب - او از بالای این دیوار افتاد.



It یا There آغاز می‌شوند، فاعل صوری را نمی‌توان عبارت دلالتی تلقی کرد، بلکه نقش آن صرفاً پرکردن جایگاه خالی فاعل در جمله است.

(a) There is a book on the table. (۱۸)

(b) It is easy to study linguistics .

در جمله‌های مثال (۱۸)، It و There هر دو فاعل صوری‌اند، بنابراین نمی‌توانند عبارت دلالتی تلقی شوند.

برخی از عبارتها صرفاً در مقام عبارت دلالتی در جمله ظاهر می‌شوند و برخی دیگر فقط به منزله عبارت گزاره‌ساز، مثلاً اسامی خاصی که دلالت بر مدلولی ثابت می‌کنند (مانند خورشید، ماه، ایران و غیره)، همیشه به صورت عبارت دلالتی به کار می‌روند.

برخی از عبارتها صرفاً در مقام عبارت دلالتی در جمله ظاهر می‌شوند و برخی دیگر فقط به منزله عبارت گزاره‌ساز، مثلاً اسامی خاصی که دلالت بر مدلولی ثابت می‌کنند (مانند خورشید، ماه، ایران و غیره)، همیشه به صورت عبارت دلالتی به کار می‌روند و هرگز در مقام عبارت گزاره‌ساز ظاهر نمی‌شوند. در عوض، افعال و حروف اضافه اکثراً در جمله به منزله عبارت گزاره‌ساز به کار برده می‌شوند و هرگز نمی‌توانند دلالت بر چیزی کنند (مگر صورت مصدری افعال، مثلاً در جمله «آدم کشتن گناه است»، که در آن صورت در واقع صورت مصدری نقش اسم، یعنی نهاد را ایفا می‌کند).

بدین ترتیب، در بسیاری از موارد مرز بین عبارت دلالتی و گزاره‌ساز مشخص است. اما، گروه اسمی نامعین زمانی به عنوان عبارت دلالتی و گاه به منزله عبارت گزاره‌ساز به کار می‌رود (رک بخش ۱۴).

۱۹ - جمله ساده خبری علاوه برداشتن عبارت یا عبارتهای دلالتی و گزاره‌ساز، ممکن است عناصر دیگری

ج - پسر عموی من به مسافرت رفته است.

علی، او، این دیوار، پسرعموی من همه عبارتهای دلالتی‌اند. اما عبارتهای «دانشجو است»، «از... افتاد» و «به مسافرت رفته است» عبارتهایی‌اند که دلالت بر چیزی نمی‌کنند. حال، در میان هریک از این سه گروه واژه، واژه‌ای یافت می‌شود که بیشتر از سایر واژه‌ها به معنی جمله کمک می‌کند. این گونه واژه‌ها را «گزاره‌ساز» گویند. برای مثال، در (۱۷ - الف) «مسافرت» گزاره‌ساز در واقع گزاره‌ساز واژه یا عبارتی است که با عبارت دلالتی بیشتر از باقی واژه‌های جمله ارتباط برقرار می‌کند. به عبارت دیگر، گزاره‌ساز واژه‌ای است که بیشتر از باقی واژه‌ها، به جز عبارت دلالتی، به شکل‌گیری معنی جمله کمک می‌کند. گزاره‌ساز جمله می‌تواند از مقوله‌های دستوری متفاوت باشد: صفت (قرمز، جالب، گرسنه، زیبا و غیره، مثلاً جالب در (۴ - ج))، فعل (گاز گرفت، نوشت، و غیره، برای مثال گاز گرفت در (۷ - الف))، حروف اضافه (بین، در، یاسایر حروف اضافه‌ای که مستقلاً حامل مفهوم خاصی‌اند، مثلاً «بین» در جمله (۷ - ج)) اسم (دانشگاه، معلم، قصاب، دزد، برای مثال دانشگاه در (۱۴ - ب)).

هرچند گزاره‌سازها به مقوله‌های نحوی متفاوت تعلق دارند، اما همگی از ویژگی مشترك گزاره‌ساز بودن در جمله برخوردارند. البته، تجزیه جمله به عبارت دلالتی و گزاره‌ساز ارتباطی با تجزیه آن به مقوله‌های نحوی نهاد و گزاره ندارد، گرچه ممکن است گاهی اوقات بین آنها انطباق پدید آید. مثلاً در بسیاری از جمله‌ها نهاد معمولاً عبارت دلالتی است، اما نه همیشه. برای مثال در زبان انگلیسی در جمله‌هایی که با فاعل صوری

مدلول و «صحت» دلالت را نمی‌توان به عنوان شرط اعتبار دلالت تلقی کرد. کلیه مدلولهای يك عبارت دلالتی عام يك طبقه طبیعی را تشکیل نمی‌دهند، مرز بین مدلولهای عبارات دلالتی در جهان خارج به گونه‌ای که واژه‌های زبان القاء می‌کنند، دقیقاً مشخص نیست. دلالت يك عبارت دلالتی هنگامی اعتبار می‌یابد که در بافت معین به کار برده شود. پس، دلالت وابسته به صورت گفتاری است. دویاچند عبارت می‌توانند مدلول واحدی داشته باشند. عبارتی ممکن است در يك بافت دلالتی و در بافت دیگر غییر دلالتی باشد. جمله نباید الزاماً يك عبارت دلالتی داشته باشد، بلکه می‌تواند مشتمل بر چند عبارت دلالتی گردد. همچنین جمله‌ای ممکن است فاقد عبارت دلالتی باشد. گروههای اسمی معین عموماً به صورت عبارات دلالتی به کار می‌روند، اما نه همیشه. گروههای اسمی نامعین عموماً به صورت عبارات غیر دلالتی به کار برده می‌شوند. گاهی اوقات می‌توان برای مشخص کردن مدلول از عبارات توصیفی مربوط به آن استفاده کرد. در زبان واژه‌هایی وجود دارند که به «واژه‌های اشاری معروفند». «جمله‌های معادله‌ای» در واقع یکسان بودن مدلولهای دو عبارت دلالتی را القاء می‌کنند. علاوه بر عبارات دلالتی، در جمله، واژه‌های دیگری نیز وجود دارند که از بین آنها صرفاً يك واژه بیش از سایر واژه‌ها با عبارت دلالتی ارتباط برقرار می‌کند که آن را «گزاره‌ساز» نامند. عبارت دلالتی علاوه بر داشتن عنصر دلالت، ممکن است واژه‌های دیگری را نیز در برگیرد که آن واژه‌ها دلالت را محدودتر می‌کنند.

نیز داشته باشد، مانند عناصری که در عبارت دلالتی علاوه بر عنصر دلالت ظاهر می‌شوند.

(۱۹) - آن پسر قد بلند و مومشکی را دیروز در خیابان دیدم.

در جمله (۱۹) «آن پسر قد بلند و مومشکی» يك عبارت دلالتی است که «پسر» عنصر دلالت است. اما واژه‌های آن، قد بلند و مومشکی در این عبارت دلالتی چه نقشی دارند؟ نخست اینکه، این گونه واژه‌ها ( که در واقع با توسل به اصطلاحات نحوی می‌توان آنها را وابسته‌های پیشین و پسین اسم نامید) در نظریه معنایی دلالت Predicate نامیده می‌شوند، که به ناچار در اینجانبیز در مقابل آن اصطلاح «گزاره» را برمی‌گزینیم و نباید آن را با «گزاره» در مقابل نهاد در نحو اشتباه کرد. پس، حضور گزاره در عبارت دلالتی به شنونده کمک می‌کند تا مدلول عبارت دلالتی را بهتر تشخیص دهد و بین این عبارت و مدلول آن رابطه ایجاد کند. گزاره‌ها به منزله راهنماهایی هستند که شنونده را متوجه مدلول می‌سازند. به عبارت دیگر، حوزه دلالت عبارت دلالتی را محدودتر می‌کنند.

۲۰ - نتیجه اینکه رابطه موجود بین واژه و مصداق آن از زمان ارسطو و افلاطون موضوع بحث فلاسفه بوده است و اکنون هم علاوه بر فلاسفه، زبان‌شناسان نیز با دیدی نسبتاً متفاوت به این گونه بحثها می‌پردازند. از زبان‌شناسان، ریچاردز و آگدن اصطلاح Reference را در نظریه مثلث معنایی خود به مفهوم تصویر ذهنی به کار برده‌اند. المن نیز دلالت را از ملزومات نظریه معنایی دانسته و این اصطلاح را به مفهوم رابطه به کار می‌برد. دلالت یکی از مباحث مهم زبان‌شناسی نوین است که جهت بیان رابطه موجود بین «عبارت دلالتی» و «مدلول» آن به کار می‌رود. در معناشناسی «موجودیت»

## کتابنامه

- 1- Hurford J.R. , Heasley B., *Semantics (a course book)*. Cambridge University Press,1983.
- 2- Keenan E.L.,*Formal Semantics of Natural Languages†*,Cambridge University press,1975.
- 3- Leech G. *Semantics*,Penguin books Ltd,1974.
- 4-Lyons J.,*Semantics*,Cambridge University press,1977.
- 5-Lyons J.,*Introduction to linguistics*,Cambridge University press,1968.
- 6-Palmer F.R.,*Semantics(a new outline)*, Cambridge University press,1976.
- 7-Steinberg P.D, Jivkbovits L.A.,*Semantics* Cambridge University press,1971.
- 8-ullman Stephen,*Semantics(an introduction to the science of meaning)*, Basil Black well Mott ltd1962.

۹- گوتلوب فرگه، درباره معنی و مصداق، برگردان: بدیعی، منوچهر (۱۳۶۷)، فرهنگ (کتاب دوم و سوم)، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.